

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children	کودکان
----------	--------

تعمینه مقدم (تارا)
۲۹ اپریل ۲۰۱۳

کودک و بردگی جنسی

یکی از نشانه های مسقیم بحرانهای اقتصادی بی توجهی عمدی دولتها در تأمین نیازهای اولی شهروندان در جهت ایجاد کار و تأمین بیمه های اجتماعی است.

وقوع جنگها و گسترش فقر، شرایط بد اقتصادی و کاهش درآمدها است.

با پیشرفت تکنولوژی همزمان سطح توقعات نیز بالا می رود و قشر مرفه جامعه به دنبال تنوع طلبی جنسی و سوء استفاده جنسی از انسانهای کم درآمد هستند و اغلب به خاطر ارضای نیازهای غیر عادی و بیمارگونه خود به خرید سکس روی می آورند. امروزه یکی از شایع ترین معضلات جامعه بشری رواج پدیده سکس و روسپیگری می باشد.

مشخص ترین تعریف روسپیگری برقراری رابطه جنسی با هدف به دست آوردن پول است. از زمانهای دور فروش سکس از منابع امرار معاش محسوب می شده و از شغلای قدیمی در جهان است. امروزه این مسأله به یکی از مسائل مهم در جهان در میان جامعه شناسان بدل شده است که نیازمند بررسی های تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. در کشور ایران نیز این مسأله که به طرق گوناگون از قدیم وجود داشته و در شهرهای مختلف کشور رواج داشته، امروزه رو به افزایش است؛ و یکی از نگرانی ها کاهش سن فحشاء است، که این امر نیازمند شناخت و تحلیل های روانی و اجتماعی و ... می باشد که گریز از آن و پنهان نمودن آن در پس دیگر مشکلات نه تنها راه گشا نیست بلکه آسیبهای اجتماعی زیادی را به همراه دارد.

بررسی ادوار مختلف در ایران پدیده بهره برداری جنسی در بین اقشار مرفه جامعه که به صورت بهره کشی از کودکان و یا به صورت شغل در بعضی از محله ها و یا به صورت ازدواج موقت تحت نام صیغه رواج داشته است. و در بررسی ادیان مختلف اگرچه ظاهراً این پدیده تأیید نمی شود اما همچنان در کنار دیگر کارکردهای مذهب به رشد پرداخته و همچنان در حال تولید و بازتولید در جوامع مختلف است و در دین اسلام متولیان دینی تحت نام صیغه، از زنها بهره برداری جنسی می کنند.

علی رغم همه محدودیتها و محکومیتهای قانونی و عرفی و دینی این پدیده همچنان یکی از پرسودترین تجارتهای جهان به شمار می آید و همین باعث به وجود آمدن برخی نظریه های جامعه شناسی که نشان از ضرورت و کارکرد این پدیده می باشد و نشان از وجود جوامع طبقاتی و نابرابری اجتماعی است.

نظریه های مختلفی در زمینه بروز روسپیگری وجود دارد که دو نظریه مهم آنها یکی نظریه تضاد و دیگری روان شناسی اجتماعی را بررسی می کنیم:

نظریه روان‌شناسی اجتماعی. بر اساس این نظریه وجود تن فروشی بین کودکان نتیجه بی توجهی والدین به کودکان خود که در اثر مشغله زیاد، اعتیاد و یا شرایطی که خود محصول رخدادهای آسیب زا هستند و عوامل بیرونی نظیر نداشتن تفریحات سالم و سرگرمی و یا فشار همسالان و نفوذ عواملی که سبب گرایش به روسپیگری می‌شود.

نظریه تضاد. براساس این دیدگاه وجود روسپیگری محصول روابط و مناسبات طبقاتی نابرابری است که در آن طبقه حاکم نه تنها در بین زنان خود بلکه در بین زنان طبقه محکوم نیز به بهره‌مکنی جنسی می‌پردازند. نابرابری اقتصادی و اجتماعی زمینه‌ساز بروز روسپیگری در جوامع طبقاتی است.

گسترش بیکاری وسیع در ایران از طرفی، و به دنبال آن افزایش فقر، گرانی، افزایش طلاق، اعتیاد، افزایش کودکان خیابانی و دختران فراری و... در سطح جامعه است که از دلایل عمده تن فروشی محسوب شود که از بین این عوامل مهمترین آنها فقر است. با توجه به اخبار منتشر شده متأسفانه قربانیان این پدیده هیچ پناهگاه امنی ندارند و بهزیستی نیز به مرکز نگهداری از کودکان خیابانی تبدیل شده است که متأسفانه مرکزی برای سوءاستفاده مسئولین می باشد. بعد از زنان، کودکان بیشترین قربانیان این پدیده اجتماعی هستند که به دلیل ویژگی که در این شغل وجود دارد مورد تحقیر و بدرفتاری و بی حرمتی و توهین قرار می گیرند، مشتریان معمولاً عقده های سرکوب شده، ناکامیها، ناتوانیها و سایر مشکلات خود را وارد این رابطه می کنند. در رابطه با این تحقیر کودک دچار بحران هویت و بی اعتمادی و بیزاری از خود شده و برای فراموش کردن موقعیت اجتماعی خود معمولاً به مواد مخدر پناه می برد.

طبق نظر کارشناسان آسیب هائی که بهره کشی جنسی و تن فروشی به کودکان می زند شامل آثار تخریب شخصیتی کودک که در رفتارهای بزرگسالی اش مشخص تر خواهد شد و آسیبهای جسمانی است زیرا که فیزیولوژی کودک آمادگی این مسأله را ندارد و به جسم کودک آسیب می رساند.

این کودکان عموماً تحقیر شده هستند و افسردگی و بروز خشم، مخفی کاری، ترسهای نابجا، لکنت زبان، تغییر در فرم راه رفتن و استفاده از ادبیات خاص در به کار بردن واژه های خاص از بارزترین خصوصیات آنها است.

کودکانی که وارد رابطه جنسی می شوند در بزرگسالی نیز دچار مشکل خواهند شد به عبارتی در یک تله بازتولید گرفتار می آیند. بدینسان می آموزند که مزاحمت‌های جنسی برای کودکان کوچکتر از خود ایجاد کنند. این رفتار همیشه مصداق ندارد اما عموماً دیده شده است که صاحب کارگاهی که کارگران خود را مورد سوءاستفاده جنسی قرار می دهد، کودک در بزرگسالی نیز آن را تکرار می کند.

به دلیل وجود یکسری تابوهای اجتماعی احساس گناه همیشه و در تمامی لحظات همراه این کودکان است و دچار سرکوب شخصیتی می شوند و چون همیشه این مسأله مخفی می ماند ذهن کودک درگیر این مسأله خواهد بود و این مشکل ترین مرحله برای کودک است زیرا که خودش قربانی است ولی به چشم یک گناهکار به آن نگاه می شود.

تفروشی یک معطل اجتماعی است که انتخاب هیچ کسی نیست بلکه زایده یک جامعه بیمار است که در شرایط بد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی فرهنگی به وجود می آید و به کارکرد خود ادامه می دهد.

در فرهنگ سنتی و عرفی ایرانی کودکان را طوری بار می آورند که نسبت به پدر و مادر خود احساس مسئولیت بنمایند و از همان اوایل کودکی خود را در مقابل زحمات والدین بدهکار و موظف به نگهداری آنان در پیری نمایند. این مسئولیت بر روی کودکان چنان سنگینی می کند که گاهی با شرایط وحشتناک فقر مالی کودک مجبور به تفروشی و یا حتی ارتکاب به جرایم دیگر می شود.

علاوه بر تبعیض و نابرابری طبقاتی، عوامل اجتماعی و فرهنگی و سنتی دیگری را نیز می‌توانیم نام ببریم که بر زندگی کودکان تأثیرات مستقیم و مخربی دارد و زمینه های به خیابان کشیده شدن آنان را فراهم می‌کند. امری که راه را

برای بهره برداری کلان تاجران سکس هموار می‌کند و بر ابعاد تنفروشی می‌افزاید. از جمله اینها می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد.

نظریه غالب پدرسالاری در جامعه سنتی ایران و قدرت طلبی مردان در خانواده و اعمال خشونت به کودکان، اعمال فشارهای روانی و آزارهای جنسی از سوی پدر و یا برادر و یا ناپدری و دیگر مردان نزدیک به خانواده، - کم سواد یا بیسواد والدین در ارتباط با فرزند و ترتیب درست کودکان؛ وجود دیدگاههای فرهنگی که کودکان دختر را به دیده تحقیر می‌نگرد. یعنی تبعیض و نابرابری اجتماعی بین دختر و پسر - سنتهای عقب مانده، که برای دختران هیچ گونه ارزش اجتماعی قایل نمی‌شود. - ازدواجهای اجباری دختران با مردان به خصوص مردانی که سن بالائی دارند به عبارتی فروش رسمی دختران یا گاهی ازدواج دختران تحت عنوان صیغه؛ - عدم امنیت و ثبات اجتماعی؛ - تابو بودن رابطه جنسی، که یک نیاز انسانی است؛ - محدودیت در روابط معمول بین پسران و دختران .

موارد بالا مهمترین عوامل اجتماعی است که بستر لازم را برای روسپی شدن کودکان فراهم می‌سازد، کودکان حاصل از ازدواج ثبت نشده تحت عنوان صیغه بیشتر در معرض آسیب پذیری هستند و به دلیل فشارهای روانی و شرایط بد تربیتی خیلی راحت تر به بازارهای خرید و فروش راه می‌یابند.

رشد این کودکان در چنان محیط نامناسبی می‌باشد که اغلب آنها را به مجرمان آینده تبدیل می‌کند و تأثیرات روانی و مخرب تجاوز را تا آخر عمر با خود دارند.

جمهوری اسلامی بودجه و امکانات لازم را برای مقابله با این گونه نابسامانی های اجتماعی تخصیص نمی‌دهد. و این معطل اجتماعی هر روز ابعاد گسترده تری می‌یابد و به نوبه خود رونق بیشتری به این تجارت می‌دهد.

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند که نشان دهد پدیده خودفروشی کودکان نتیجه به اصطلاح رفتار غیرطبیعی کودک و تربیت نادرست و غیراسلامی خانواده ها است. یعنی کودکان در این خانواده ها فی نفسه مجرم هستند در صورتی که اگر به مطالبات و نیازهای اقتصادی و اجتماعی کودکان پاسخ صحیح داده شود و قوانین به نفع کودکان تغییر کند زندگی سالم و عاری از خشونت و تبعیض به وجود آید به طوری که شرایط زیستی برابر با دیگر کودکان داشته باشند خواهیم دید که چگونه تجارت سکس از بین می‌رود .

اما راه حل این معضل اجتماعی چیست و چگونه می‌توان از به وجود آمدن این پدیده جلوگیری کرد؟

از بین بردن نیاز اقتصادی و تأمین مادی همه انسانها ، یعنی ایجاد کار و امکانات لازم برای زندگی همه افراد اولین و مؤثرترین اقدام است. تجربه ثابت کرده است که پدیده های اجتماعی پدیده هایی چند وجهی هستند و تنها با تکیه بر مسأله اقتصاد نمی‌توان این ناهنجاری را از بین برد بنابراین نیاز است که مسائل فرهنگی و اجتماعی در کنار آن تغییر کند. ارتباط آزاد و سالم و بدون هیچ قید و بند مذهبی و سنتی با رعایت سن، دسترسی به آموزش رایگان و اجباری همه افراد، تأمین مراکز کمک به قربانیان جرایم اجتماعی و کمک به بازگرداندن آنها به جامعه، تغییر نگرش مردسالاری از جمله فاکتورهائی هستند که می‌توانند در از بین بردن پدیده تنفروشی و یا کاهش چشمگیر آن نقش داشته باشند.

دین و جمهوری اسلامی راه حلی برای این مسأله ندارد و با توصیه های اخلاقی نیز نمی‌توان نیاز اقتصادی جامعه را از بین برد بیش از سی سال از حکومت جمهوری اسلامی می‌گذرد ولی تلاش دولت در خدمت تحکیم نگرشهای مردسالاری و به بردگی کشیدن زنان و کودکان در نظام سرمایه داری بوده است و هیچ تلاشی در راه ایجاد حقوق واقعی برای کودکان نکرده است کمالین که افزایش پنهان و آشکار کودکان تنفروش گویای این امر است.

منتشره در: نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۰۳